

---

## **Predicting Emotional Maturity based on Early Maladaptive Schemas with the Mediating Role of Empathy in College Students**

---

### **Article Info**

#### **Authors:**

Hamed Deilamsalehi<sup>1</sup>,  
Mohammad Javad Asghari  
Ebrahimabad<sup>2\*</sup>, Hamidreza  
Agha Mohammadian Sherbaf<sup>3</sup>

#### **Keywords:**

Emotional maturity, Early  
maladaptive schemas,  
Empathy.

#### **Article History:**

**Received: 2023-12-24**

**Accepted: 2024-03-10**

**Published: 2024-03-19**

#### **Correspondence:**

Email: [mjasghari@um.ac.ir](mailto:mjasghari@um.ac.ir)

### **Abstract**

**Purpose:** Human emotions and feelings play a significant role in mental health. In this regard, emotional maturity is a skill that manages emotions in response to environmental demands. The present study aimed to investigate the mediating role of empathy in the relationship between emotional maturity and early maladaptive schemas in college students.

**Methodology:** The research method was descriptive and correlational. The study population consists of Ferdowsi University students enrolled in the academic year 2022-2023. Among them, 353 individuals were selected through convenience sampling. Singh and Bhargava Emotional Maturity Scale (1990), Young Schema Questionnaire (1998), and Mehrabian and Epstein Balanced Emotional Empathy Scale (1972) were used for data collection. Structural equation modelling was employed to examine the mediating role of variable.

**Findings:** The Pearson correlation coefficient indicated a significant negative correlation between early maladaptive schemas and emotional maturity and empathy. Additionally, emotional maturity had a significant positive correlation with empathy. The results of the structural equation model revealed that the relationship between early maladaptive schemas and emotional maturity is directly established and empathy cannot mediate this relationship.

**Conclusion:** Given the results of this study, the impact of early maladaptive schemas on emotional maturity can be of increased concern.

- 
1. Master of Clinical Psychology, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
  2. Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)
  3. Professor of Psychology, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

## پیش‌بینی بلوغ عاطفی براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه با نقش میانجی همدلی در دانشجویان

حامد دیلم صالحی<sup>۱</sup>، محمدجواد اصغری ابراهیم آباد<sup>۲</sup>، حمیدرضا آقامحمدیان شعریاف<sup>۳</sup>

### چکیده

**هدف:** هیجانات و عواطف انسان نقش مهمی در سلامت روان ایفا می‌کنند. در این رابطه، بلوغ عاطفی مهارتی است که هیجانات را در برابر خواسته‌های محیطی مدیریت می‌کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی همدلی در رابطه بین بلوغ عاطفی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دانشجویان صورت گرفت.

**روش:** طرح پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه مورد مطالعه شامل دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بود که از بین آن‌ها ۳۵۳ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس وارد مطالعه شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس بلوغ عاطفی سینگ و بهارگاوا (۱۹۹۰)، پرسشنامه طرحواره یانگ (۱۹۹۸) و مقیاس همدلی هیجانی متعادل مهرابیان و اپستین (۱۹۷۲) استفاده شد. جهت بررسی نقش متغیر میانجی روش مدل‌یابی معادلات ساختاری به کار گرفته شد.

**یافته‌ها:** یافته‌های حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با بلوغ عاطفی و همدلی همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. همچنین بلوغ عاطفی با همدلی دارای همبستگی مثبت و معناداری است. یافته‌های حاصل از مدل معادلات ساختاری بیان کرد رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و بلوغ عاطفی به طور بی‌واسطه برقرار است و همدلی نمی‌تواند این رابطه را میانجی‌گری کند.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج این پژوهش، تاثیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر بلوغ عاطفی می‌تواند بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** بلوغ عاطفی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، همدلی.

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۲. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. استاد روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

## مقدمه

دانشجویان با وارد شدن به دانشگاه درگیر نقش‌ها و مسئولیت‌های تازه در یک فضای جدید می‌شوند که هیجانات مختلفی را در آن‌ها بر می‌انگیزد. هیجاناتی که مدیریت آن‌ها عبور دانشجویان از این گذار را تسهیل می‌کند. یکی از عوامل اثرگذار بر مدیریت مناسب هیجانات را می‌توان در سازه بلوغ عاطفی<sup>۱</sup> جستجو کرد. بلوغ عاطفی به صورت فرآیندی که فرد در آن مستمرا به دنبال فهم بهتر سلامت هیجانی، هم از نظر درون فیزیکی و هم از نظر درون فردی است، تعریف می‌شود (Ganie & Ganai, 2021). پیامد رفتارهای حاکی از بلوغ عاطفی علاوه بر تنظیم روابط اجتماعی، ایجاد یک خودپنداره مثبت، حس خودارزشمندی و ثبات هیجانی در فرد است که همگی از مولفه‌های مهم سلامت روان به شمار می‌روند (Anand et al., 2014; Gupta & Sudhesh, 2022).

فردی که از لحاظ عاطفی بالغ باشد توانایی تحمل تاخیر و تنش را داراست و ناامیدی‌ها را از سر می‌گذراند. او می‌تواند قبل از اینکه مانند یک کودک واکنش نشان دهد، ارزیابی دقیقی از موقعیت داشته باشد (Joy & Mathew, 2018). این ارزیابی دقیق که در نهایت بلوغ عاطفی را متبلور می‌سازد، تحت تاثیر عوامل گوناگون تربیتی، اجتماعی و روان-شناختی است. یکی از عوامل مهم روان‌شناختی طرحواره‌های ناسازگار اولیه<sup>۲</sup> هستند. Young و همکاران (۲۰۰۳) طرحواره‌های ناسازگار اولیه را به این صورت تعریف می‌کنند: «الگوهایی عمیق و فراگیر متشکل از خاطرات، هیجانات، شناخت‌ها و احساسات بدنی که در دوران کودکی یا نوجوانی شکل گرفته‌اند، در مسیر زندگی تداوم دارند، در مورد خود و ارتباطات فرد هستند و شدیداً ناکارآمدند». در بعد رفتاری، سبک‌های مقابله‌ای<sup>۳</sup> به تداوم طرحواره‌های ناسازگار اولیه کمک می‌کنند و نهایتاً این فرآیند موجب ایجاد الگوهای نسبتاً ثابتی از باورها و عملکردها در خصوص خود، افراد دیگر و دنیای اطراف می‌شود که بدون شک درست فرض می‌شوند (Talarowska et al., 2022).

برآورده نشدن پنج نیاز هیجانی اساسی<sup>۴</sup> در کودکی موجب شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه در پنج حوزه می‌شود. عدم ارضای نیاز به دلبستگی ایمن به دیگران<sup>۵</sup> موجب طرحواره‌های حوزه بریدگی و طرد<sup>۶</sup>؛ عدم ارضای نیاز به خودگردانی، کفایت و هویت<sup>۷</sup> موجب طرحواره‌های حوزه خودگردانی و عملکرد مختل<sup>۸</sup>؛ عدم ارضای نیاز به آزادی در بیان نیازها و هیجانات سالم<sup>۹</sup> موجب طرحواره‌های حوزه دیگر جهت‌مندی<sup>۱۰</sup>؛ عدم ارضای نیاز به خودانگیختگی و تفریح<sup>۱۱</sup> موجب طرحواره‌های حوزه گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری<sup>۱۲</sup>؛ و عدم ارضای نیاز به محدودیت‌های واقع-بینانه و خویشنداری<sup>۱۳</sup> موجب طرحواره‌های حوزه محدودیت‌های مختل<sup>۱۴</sup> می‌شود (Bach et al., 2018).

تعدادی از تحقیقات نقش پیش‌بینی‌کنندگی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در بلوغ عاطفی را تایید کرده‌اند. پژوهش صورت گرفته توسط Amani و Esfandiari (۱۳۹۱) بر روی دانشجویان دختر و پسر دارای تجربه شکست عشقی

<sup>1</sup> emotional maturity

<sup>2</sup> early maladaptive schemas

<sup>3</sup> coping styles

<sup>4</sup> core emotional needs

<sup>5</sup> secure attachment to others

<sup>6</sup> disconnection and rejection

<sup>7</sup> autonomy, competence and a sense of identity

<sup>8</sup> impaired autonomy and performance

<sup>9</sup> freedom to express valid needs and feelings

<sup>10</sup> other-directedness

<sup>11</sup> spontaneity and play

<sup>12</sup> over vigilance and inhibition

<sup>13</sup> realistic limits and self-control

<sup>14</sup> impaired limits

نشان داد طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دو حوزه بریدگی و طرد و محدودیت‌های مختل می‌توانند عدم بلوغ عاطفی را پیش‌بینی کنند.

عامل دیگری که می‌تواند در تبیین بلوغ عاطفی ایفای نقش کند، همدلی<sup>۱</sup> است، زیرا مشخصه درک حالات ذهنی دیگران در همدلی بر بلوغ عاطفی و مدیریت هیجانات موثر است. همدلی یک فرآیند تخیل عقلانی، ارادی و مبتنی بر دانش است که طی آن فرد همدل قادر می‌شود رفتار دیگران را درک کند، رفتارهای آینده آنان را پیش‌بینی کند، احساس آنان را بفهمد و در مجموع واکنش مناسبی از خود بروز دهد (Packard & Burnham, 2021). مطالعاتی رابطه مثبت همدلی و بلوغ عاطفی را نشان داده‌اند (Sabzi, N., & Sheikholeslami, 2015; Hamid et al., 2021).

دانشجویان از مسیر دانشگاه برای نائل آمدن به موفقیت‌های آتی در زندگی خود بهره می‌برند. بلوغ عاطفی می‌تواند به نحو احسن امور فردی، اجتماعی و تحصیلی دانشجویان را در این مسیر پر پیچ و خم به سرانجام نیک برساند. در واقع دانشجویانی که از منظر هیجانی به پختگی رسیده باشند، در مواجهه با موقعیت‌های برانگیزاننده هیجانات خود را به شکل بهتری مدیریت می‌کنند. با توجه به اهمیت متغیرهای مذکور و از آنجایی که تاکنون تحقیقات به عاملی میانجی در تعامل بلوغ عاطفی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه دست نیافته‌اند، هدف پژوهش حاضر کشف عامل میانجی در ارتباط بلوغ عاطفی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه است. در این راستا پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سوال است که آیا همدلی در رابطه بلوغ عاطفی با طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دانشجویان نقش میانجیگری دارد؟

## روش

مطالعه حاضر از نظر هدف بنیادی و گردآوری داده‌ها کمی بود. طرح پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جهت بررسی نقش متغیر میانجی از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. جامعه مورد مطالعه شامل دانشجویان دختر و پسر دانشگاه فردوسی مشهد به تعداد بالغ بر ۲۱۰۰۰ نفر بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ مشغول به تحصیل بودند. بر اساس فرمول کوکران، ۳۷۷ نفر به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند که پس از تکمیل پرسشنامه‌ها و حذف موارد ناقص یا مخدوش، ۳۵۳ پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت. نمونه‌گیری به روش دردسترس صورت گرفت و شرکت‌کنندگان به طور داوطلبانه وارد مطالعه شدند. همچنین ملاک‌های ورود و خروج (سلامت جسمی، عدم ابتلا به اختلال روانی و تحت درمان روان‌پزشکی نبودن) از طریق خوداظهاری شرکت‌کنندگان بررسی شد. پس از اخذ مجوزهای اخلاقی لازم از دانشگاه فردوسی مشهد، پرسشنامه‌ها هم به صورت مجازی و هم به صورت کاغذی تهیه شدند. پرسشنامه‌های مجازی از طریق فضای مجازی در اختیار دانشجویان داوطلب قرار گرفت. پرسشنامه‌های کاغذی نیز برای آن دسته از علاقه‌مندانی که تکمیل نسخه مجازی برایشان دشوار بود، فراهم شد. پیش از اجرای پرسشنامه ملاحظات اخلاقی به شرکت‌کنندگان توضیح داده شد از جمله این که نام و نام خانوادگی از آن‌ها درخواست نمی‌شود و پرسشنامه آن‌ها نزد پژوهشگر محفوظ خواهد ماند. شرکت‌کنندگان در این پژوهش به پرسشنامه‌های زیر پاسخ دادند:

**الف) مقیاس بلوغ عاطفی<sup>۲</sup> (EMS):** مقیاس بلوغ عاطفی Singh و Bhargava (۱۹۹۰) برای سنجش بلوغ عاطفی در پنج خرده‌مقیاس طراحی شد. خرده‌مقیاس‌ها عدم ثبات عاطفی، بازگشت عاطفی، فروپاشی شخصیت، ناسازگاری اجتماعی و فقدان استقلال را شامل می‌شدند. عدم ثبات عاطفی شامل ویژگی‌هایی چون عدم توانایی در حل مسئله، وابستگی در نیازهای روزمره، تحریک‌پذیری، لجبازی و کج‌خلقی بود. بازگشت عاطفی خصومت، بیقراری، احساس حقارت و خودمحوری را سنجید. نمره بالا در فروپاشی شخصیت نشان‌دهنده هراس، دلیل‌تراشی، رفتار غیر اخلاقی و بدبینی بود. افرادی که در خرده‌مقیاس ناسازگاری اجتماعی نمره بالایی می‌گیرند، به ظاهر منحصر به فرد به

<sup>1</sup> empathy

<sup>2</sup> Emotional Maturity Scale

نظر می‌رسند اما از لاف یا دروغ استفاده می‌کنند، از دیگران نفرت دارند و گوشه‌گیر و تنبل‌اند. خرده‌مقیاس فقدان استقلال وابستگی انگلی که موجب غیر قابل اعتماد شدن فرد می‌شود، خودبینی و عدم رغبت‌های محسوس را نشان داد. هر گویه توسط یک لیکرت ۵ درجه‌ای درجه‌بندی شد. نمرات بالاتر به معنی بی‌ثباتی عاطفی بیشتر و نمرات کمتر به معنی ثبات عاطفی بیشتر بودند. آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌ها از ۰/۴۲ تا ۰/۸۶ محاسبه شد (Singh & Bhargava, 1990). همچنین مقیاس بلوغ عاطفی در ایران هنجاریابی شده است (Safarpour et al., 2007). همسانی درونی آزمون به روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ محاسبه شد. همچنین در بازآزمایی انجام‌شده روی نمونه‌ای ۳۰ نفره ضریب همبستگی بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون معادل ۰/۶۲ بود. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس بلوغ عاطفی در پژوهش حاضر ۰/۸۹ به دست آمد.

ب) پرسشنامه طرواره یانگ<sup>۱</sup> (YSQ): پرسشنامه طرواره Young (۱۹۹۸) شامل ۷۵ گویه بود که برای ارزیابی ۱۵ طرواره ناسازگار اولیه طراحی شد. این طرواره‌ها عبارتند از: شکست، بازداری هیجانی، نقص / شرم، انزوای اجتماعی / بیگانگی، محرومیت هیجانی، ایثار، خویش‌تنداری و خود انضباطی ناکافی، رهاشدگی / بی‌ثباتی، آسیب پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، اطاعت، استحقاق / بزرگ‌منشی، معیارهای سرسختانه / عیب‌جویی افراطی، خویش‌تنداری نیافته / گرفتار، وابستگی / بی‌کفایتی و بی‌اعتمادی / بدرفتاری. هر گویه در یک مقیاس لیکرت شش درجه‌ای نمره‌گذاری شد و برای ارزیابی هر طرواره پنج پرسش مطرح شد. چنانچه میانگین هر خرده‌مقیاس بیشتر از ۲/۵ باشد، آن طرواره ناکارآمد است (Young et al., 2003). در داخل ایران، این پرسشنامه در دانشگاه‌های تهران هنجاریابی شده است (Ahi, 2005). ضریب آلفای خرده‌مقیاس‌ها در دامنه‌ای بین ۰/۷۱ تا ۰/۹۰ گزارش شده است که نشان‌دهنده همسانی درونی مناسب این پرسشنامه است. همچنین در پژوهشی با استفاده از روش بازآزمایی، ضرایب همبستگی برای خرده‌مقیاس‌ها در دامنه ۶۰ تا ۸۵ درصد برای پایایی آزمون به دست آورده شد (Orang et al., 2017). ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه طرواره یانگ در پژوهش حاضر ۰/۹۵ محاسبه شد.

پ) مقیاس همدلی هیجانی متعادل<sup>۲</sup> (BEES): مقیاس همدلی هیجانی متعادل Epstein و Mehrabian<sup>۳</sup> (۱۹۷۲) در ۳۳ گویه جهت ارزیابی میزان همدلی افراد ساخته شد. مقیاس همدلی دارای هفت خرده‌مقیاس است اما بنا بر نظر محقق و با توجه به اهداف پژوهش حاضر، از چهار خرده‌مقیاس همدلی واکنشی، همدلی بیانی، همدلی مشارکتی و همدلی نسبت به دیگران در این مطالعه استفاده شد. گویه‌ها به وسیله مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری شدند. نمرات بالاتر نشان از تمایل به همدلی بیشتر دارد. برای تعیین روایی این ابزار از روش تحلیل عاملی شد و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ گزارش شد (Mehrabian & Epstein, 1972). در ایران نیز Zarshghaee و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی اعتبار و روایی این مقیاس پرداختند که ضریب اعتبار را به روش بازآزمایی ۰/۵۹ و ضریب همسانی درونی خرده‌مقیاس‌ها را از ۰/۳۹ تا ۰/۶۵ گزارش کردند. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس همدلی هیجانی متعادل در پژوهش حاضر ۰/۶۴ به دست آمد.

در پایان جهت تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های تکمیل‌شده، در بخش آمار توصیفی شاخص‌های آماری میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی پیرسون با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ مورد بررسی قرار گرفت. در بخش آمار استنباطی برای مطالعه نقش میانجی همدلی از مدل‌یابی معادلات ساختاری به واسطه نرم‌افزار AMOS نسخه ۲۶ استفاده شد.

<sup>1</sup> Young Schema Questionnaire

<sup>2</sup> Balanced Emotional Empathy Scale

<sup>3</sup> Mehrabian & Epstein

### یافته‌ها

از ۳۵۳ نفر نمونه حاضر در این پژوهش، ۱۸۷ نفر زن (۵۳ درصد) و ۱۶۶ نفر مرد (۴۷ درصد) بودند. ۷۵ نفر از شرکت‌کنندگان در بازه سنی زیر ۲۰ سال (۲۱ درصد)، ۲۳۷ نفر در بازه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال (۶۷ درصد)، ۳۰ نفر در بازه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال (۹ درصد) و ۱۱ نفر در بازه سنی بالای ۴۰ سال (۳ درصد) قرار داشتند. از نظر رشته تحصیلی، ۱۴۸ نفر از شرکت‌کنندگان در رشته‌های علوم انسانی (۴۲ درصد)، ۱۳۹ نفر در رشته‌های مرتبط با مهندسی (۳۹ درصد) و ۶۶ نفر در رشته‌های علوم تجربی (۱۹ درصد) مشغول به تحصیل بودند. از نظر مقطع تحصیلی، ۱۸۲ نفر از شرکت‌کنندگان در مقطع کارشناسی (۵۲ درصد)، ۱۳۸ نفر در مقطع کارشناسی ارشد (۳۹ درصد) و ۳۳ نفر در مقطع دکتری (۹ درصد) شاغل به تحصیل بودند.

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد دانشجویان از میان ابعاد بلوغ عاطفی، در بعد عدم ثبات عاطفی بالاترین نمره و در بعد ناسازگاری اجتماعی پایین‌ترین نمره؛ از میان حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه، در حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری بالاترین نمره و در حوزه خودگردانی و عملکرد مختل پایین‌ترین نمره؛ و از میان ابعاد همدلی، در بعد همدلی بیانی بالاترین نمره و در بعد همدلی نسبت به دیگران پایین‌ترین نمره را کسب کرده‌اند.

پیش از اجرای آزمون‌های آماری، نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش به واسطه ضرایب چولگی و کشیدگی و آزمون دوربین - واتسون مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه آزمون دوربین - واتسون عدد ۱/۹۳ را نشان داد. این عدد در محدوده ۱/۵ تا ۲/۵ که نشان از نرمال بودن متغیرهاست، قرار دارد. همچنین ضرایب چولگی و کشیدگی در محدوده‌ای از ۱- تا ۱+ قرار دارند که به معنی نرمال بودن متغیرهاست.

با توجه به جدول ۱، طرحواره‌های ناسازگار اولیه با بلوغ عاطفی ( $p < 0/01$ ) و همدلی ( $p < 0/05$ ) همبستگی منفی و معناداری دارند. همچنین بلوغ عاطفی رابطه مثبت و معناداری با همدلی دارد ( $p < 0/01$ ).

جدول ۱. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

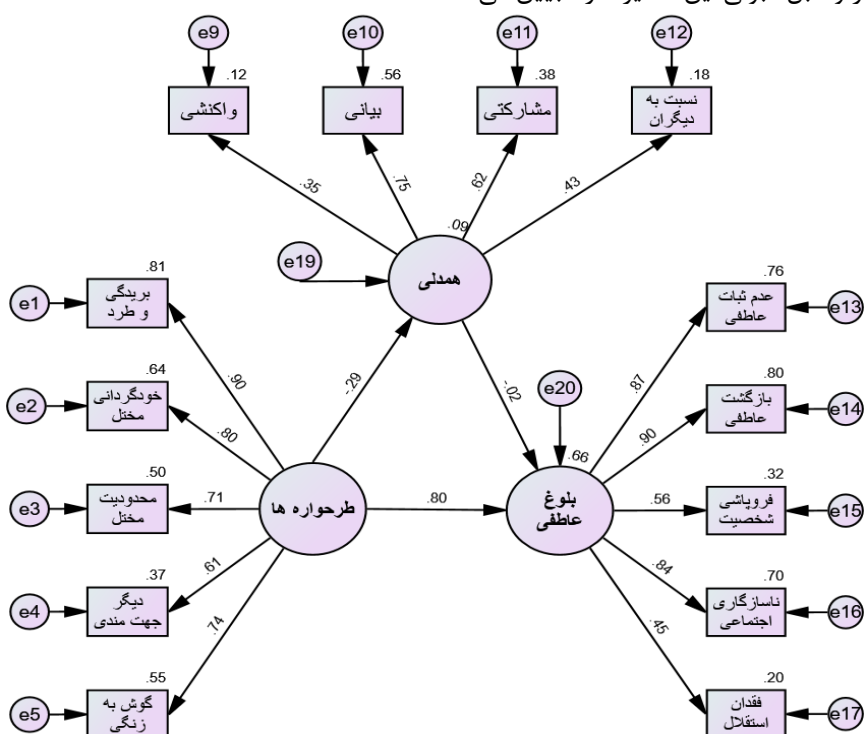
متغیرها	۱***	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	
۱. بلوغ عاطفی	-																	
۲. عدم ثبات عاطفی	-۰/۸۷**	-																
۳. بازگشت عاطفی	-۰/۸۹**	-۰/۸۰**	-															
۴. فروپاشی شخصیت	-۰/۷۰**	-۰/۴۳**	-۰/۴۹**	-														
۵. ناسازگاری اجتماعی	-۰/۸۸**	-۰/۷۱**	-۰/۷۳**	-۰/۵۸**	-													
۶. فقدان استقلال	-۰/۵۵**	-۰/۳۷**	-۰/۳۶**	-۰/۳۶**	-													
۷. طرحواره‌های ناسازگار اولیه	-۰/۷۱**	-۰/۶۵**	-۰/۶۷**	-۰/۴۰**	-۰/۶۹**	-												
۸. حوزه بردگی و طرد	-۰/۶۷**	-۰/۶۰**	-۰/۶۳**	-۰/۴۲**	-۰/۶۳**	-۰/۹۲**	-											
۹. حوزه خودگردانی و عملکرد مختل	-۰/۶۰**	-۰/۵۸**	-۰/۵۵**	-۰/۲۵**	-۰/۶۰**	-۰/۳۰**	-۰/۶۹**	-										
۱۰. حوزه محدودیت‌های مختل	-۰/۶۶**	-۰/۵۷**	-۰/۴۲**	-۰/۴۰**	-۰/۶۲**	-۰/۳۳**	-۰/۵۸**	-۰/۵۲**	-									
۱۱. حوزه دیگر جهت مندی	-۰/۳۴**	-۰/۳۴**	-۰/۱۰	-۰/۳۸**	-۰/۱۰	-۰/۰۸	-۰/۵۷**	-۰/۳۰**	-									
۱۲. حوزه گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحدبازداری	-۰/۵۱**	-۰/۴۵**	-۰/۴۸**	-۰/۳۵**	-۰/۴۷**	-۰/۲۱**	-۰/۷۶**	-۰/۴۶**	-۰/۴۹**	-								
۱۳. همدلی	-۰/۱۷**	-۰/۱۱*	-۰/۰۸	-۰/۱۹**	-۰/۱۸**	-۰/۱۲*	-۰/۱۹**	-۰/۱۲*	-۰/۰۴	-۰/۱۱**	-							
۱۴. همدلی واکنشی	-۰/۰۱	-۰/۰۵	-۰/۰۴	-۰/۰۷	-۰/۰۱	-۰/۰۱	-۰/۰۵	-۰/۰۶	-۰/۱۱*	-۰/۰۶	-۰/۱۷**	-						
۱۵. همدلی بیانی	-۰/۲۴**	-۰/۲۱**	-۰/۱۵**	-۰/۱۸**	-۰/۲۲**	-۰/۲۰**	-۰/۲۵**	-۰/۲۵**	-۰/۱۹**	-۰/۲۸**	-۰/۰۱	-۰/۲۱**	-					
۱۶. همدلی مشارکتی	-۰/۲۳**	-۰/۱۷**	-۰/۱۶**	-۰/۲۵**	-۰/۲۲**	-۰/۱۰	-۰/۲۷**	-۰/۲۰**	-۰/۱۱*	-۰/۲۱**	-۰/۰۳	-۰/۱۹**	-۰/۲۰**	-				
۱۷. همدلی نسبت به دیگران	-۰/۰۲	-۰/۰۵	-۰/۰۶	-۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۰۱	-۰/۰۹	-۰/۰۹	-۰/۰۹	-۰/۰۳	-۰/۱۳*	-۰/۰۸	-۰/۱۱**	-۰/۲۶**	-			

\*  $p < 0/05$

\*\*  $p < 0/01$

\*\*\* از آنجایی که نمره بالاتر در مقیاس بلوغ عاطفی به معنای بلوغ عاطفی کمتر است، جهت رابطه به صورت عکس بیان شده است. این اتفاق در خصوص زیرمقیاس‌های بلوغ عاطفی رخ نداده است، زیرا نام‌گذاری آن‌ها بر پایه عدم بلوغ عاطفی است.

در شکل ۱، مدل ساختاری، ضرایب مسیر و بارهای عاملی قابل مشاهده‌اند. با بررسی بارهای عاملی بین متغیرهای مکنون و ابعاد مربوطه مشخص شد تمامی آن‌ها بالاتر از ۳۰ درصد به دست آمده‌اند. بنابراین ابعاد متغیرهای پژوهش به طور معنادار و قابل قبولی این متغیرها را تبیین می‌کنند.



شکل ۱. مدل ساختاری پژوهش

پیش از آزمون مدل، از برقرار بودن مفروضه‌های روش مدل‌یابی معادلات ساختاری با روش تخمین حداکثر درست‌نمایی اطمینان حاصل شد زیرا بدون تایید مفروضه‌ها امکان اجرای مدل به دست نخواهد آمد. یکی از مفروضه‌های روش مدل‌یابی معادلات ساختاری نرمال بودن چندمتغیره است. مقدار قابل قبول نسبت بحرانی (C.I) کمتر از ۲/۵۸ در نظر گرفته می‌شود، پس مقدار به دست آمده ۱/۰۷ برای نسبت بحرانی نشان از برقراری این مفروضه دارد. همچنین اعتبار مدل نظری پژوهش حاضر زمانی مورد تایید است که این مدل توسط داده‌های پژوهش مورد حمایت قرار گرفته باشد. بدین منظور چند شاخص برازش مدل مورد بررسی قرار گرفتند تا نتایج در بازه استاندارد محاسبه شده باشند. نتایج این بررسی که در جدول ۲ ذکر شده است، نشان از برازش مناسب مدل ساختاری پژوهش دارد.

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل ساختاری پژوهش

نوع شاخص	معادل فارسی	مقدار حاصله	مقدار قابل قبول
CMIN/DF	نسبت کای دو به درجه آزادی	۲/۹۱۳	<۳
RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	۰/۰۷۷	<۰/۰۸
SRMR	ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد	۰/۰۶۷	<۰/۰۸
GFI	شاخص نیکویی برازش	۰/۹۲۰	>۰/۹
CFI	شاخص برازش تطبیقی	۰/۹۴۴	>۰/۹
TLI	شاخص برازش توکر-لویس	۰/۹۲۰	>۰/۹
IFI	شاخص برازش افزایشی	۰/۹۴۵	>۰/۹
NFI	شاخص برازش بهنجار بنتلر-بونت	۰/۹۱۸	>۰/۹

جدول ۳. ضرایب مسیر بین متغیرهای پژوهش

مسیر	ضریب مسیر	مقدار t	سطح معناداری
طرحواره‌های ناسازگار اولیه ---> بلوغ عاطفی	-.۰۸۰۴*	-۱۲/۴۹۳*	p<۰/۰۰۱
طرحواره‌های ناسازگار اولیه ---> همدلی	-.۰۲۹۵	-۳/۳۴۲	p<۰/۰۰۱
همدلی ---> بلوغ عاطفی	.۰۲۲۵*	.۰/۴۸۸*	p>۰/۰۰۱

\* از آنجایی که نمره بالاتر در مقیاس بلوغ عاطفی به معنای بلوغ عاطفی کمتر است، جهت رابطه به صورت عکس بیان شده است.

با توجه به جدول ۳، طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر همدلی اثر منفی و معناداری دارد (p<۰/۰۰۱). با این وجود، همدلی دارای اثر معناداری بر بلوغ عاطفی نیست (p>۰/۰۰۱). پس نمی‌توان همدلی را به عنوان یک متغیر میانجی در رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و بلوغ عاطفی در نظر گرفت. از طرفی مسیر مستقیم طرحواره‌های ناسازگار اولیه به بلوغ عاطفی در جهت منفی معنادار است (p<۰/۰۰۱). بنابراین اثر طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر بلوغ عاطفی بی‌واسطه است.

جدول ۴. اثر غیرمستقیم بر بلوغ عاطفی با استفاده از روش بوت استرپ

متغیرها	اثر غیرمستقیم	حد پایین	حد بالا	سطح معناداری
طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر بلوغ عاطفی	-.۰/۰۰۷*	-.۰/۰۲۴	.۰/۰۴۱	.۰/۵۷۱

\* از آنجایی که نمره بالاتر در مقیاس بلوغ عاطفی به معنای بلوغ عاطفی کمتر است، جهت رابطه به صورت عکس بیان شده است.

با توجه به جدول ۴، اثر غیر مستقیم طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر بلوغ عاطفی معنادار نیست.

جدول ۵. اندازه اثر F<sup>2</sup> کوهن

متغیرها	بلوغ عاطفی	همدلی
طرحواره‌های ناسازگار اولیه	۱/۷۱۵	۰/۰۹۵
همدلی	۰/۰۰۲	

همچنین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و همدلی توانستند ۶۶ درصد از واریانس بلوغ عاطفی را تبیین کنند که با استفاده از F<sup>2</sup> کوهن اندازه اثر برای هر یک از مسیرهای مدل ساختاری محاسبه شد. بر اساس نظر کوهن مقدار ۰/۰۲ بیانگر اندازه اثر کوچک، ۰/۱۵ بیانگر اندازه اثر متوسط و ۰/۳۵ بیانگر اندازه اثر بزرگ است. با توجه به جدول ۵، مسیر همدلی به بلوغ عاطفی دارای اندازه اثر بسیار کوچک و مسیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه به همدلی و بلوغ عاطفی به ترتیب دارای اندازه اثر کوچک و بزرگ است.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی همدلی در رابطه بین بلوغ عاطفی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دانشجویان صورت گرفت. نتایج نشان داد همدلی نمی‌تواند رابطه بین بلوغ عاطفی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه را میانجی‌گری کند و طرحواره‌های ناسازگار اولیه به طور مستقیم و بی‌واسطه موجب عدم بلوغ عاطفی می‌شوند. این نتایج با پژوهش‌های Hedayatimoghadam و Bakhshipour (۲۰۲۲)، Amani و Esfandiari (۱۳۹۱)، Aghili و همکاران (۲۰۲۳) و AlizadehBahmani و Hosseinkhanzadeh (۲۰۱۹) همخوانی دارد. طرحواره اساساً به معنای داشتن یک طرح کلی از یک موضوع است. طرحواره‌های ناسازگار اولیه نیز از طریق طرح کلی خود بر رخدادهای مختلف سایه می‌افکنند. در این وضعیت فرد اهمیتی قائل نیست که یک رخداد بخصوص دارای چه ویژگی‌ها، پیشایندها و پسایندهایی است؛ بلکه تمام رخدادهای را با هر درجه‌ای از تشابه به طور یکسان ارزیابی می‌کند تا در طرح کلی خود جای دهد. در حالی که بلوغ در مفهوم عام خود به معنی در نظر گرفتن شرایط محیطی و پاسخ متناسب با آن شرایط است. بلوغ عاطفی نیز مستلزم در نظر گرفتن ویژگی‌های یک موقعیت و ابراز هیجان متناسب با آن است (Rahim, )



2023). طرحواره‌های ناسازگار اولیه با خصوصیتی که ذکر آن رفت، مشخصاً مانع از دستیابی به بلوغ عاطفی می‌شوند. در بسیاری مواقع ارزیابی افرادی با طرحواره‌های ناسازگار اولیه تناسبی با رخداد حاضر ندارد و به دنبال آن هیجان برانگیخته شده نیز تناسبی با آن رخداد ندارد.

احساس‌های بدنی و هیجان‌های شدید همراه با طرحواره‌ها به طور موثری می‌توانند منجر به عدم بلوغ عاطفی شوند. این هیجانات در کودکی فرد سرچشمه دارند و هر موقعیت مشابه با آن دوران، به طور ناخودآگاه همان هیجانات را بر می‌انگیزد. به طور مثال شخصی با طرحواره رهاشدگی/بی‌ثباتی در طول زندگی نیاز خود به دلبستگی ایمن به دیگران را ارضاشده نیافته است. این شخص به دنبال هر گونه جدایی موقتی از فردی که دلبسته اوست، غم عظیمی را در خود احساس می‌کند. با این که این جدایی منفی برای دو طرف به همراه دارد اما این شخص ممکن است خواستار عدم ترک یکدیگر شود. در صورتی که فرد دارای بلوغ عاطفی ضمن این که ناراحتی خود را از جدایی ابراز و سپس مدیریت می‌کند، با سنجیدن شرایط می‌تواند این تنش کوتاه‌مدت را به نفع دستیابی به خواسته‌های بلندمدت تحمل کند.

وجه دیگر طرحواره‌های ناسازگار اولیه معطوف به خاطرات است. خاطرات دردناک در طرحواره‌های ناسازگار اولیه در بخش‌های مختلف مغز ذخیره می‌شوند. سیستم هشیار این خاطرات به هیپوکامپ و نواحی قشر مغز مرتبط است اما بخش ناهشیار از طریق آمیگدال و ساز و کارهای شرطی‌سازی ترس ذخیره‌سازی می‌شود. در طول مواجهه با محرک‌های مشابه در زندگی بزرگسالی هر دو سیستم به طور موازی فعال می‌شوند. آمیگدال به ارزیابی هیجانات ذخیره‌شده و هیپوکامپ به ارزیابی شناخت‌های ذخیره‌شده می‌پردازد. با این حال پاسخ‌های هیجانی، مشروط به یادآوری شناخت‌ها و وقایع خاطرات مربوطه نیستند. علاوه بر این تالاموس محرک‌های برانگیزاننده را به آمیگدال نسبت به نواحی قشری به صورت سریعتری می‌رساند و متعاقباً پاسخ هیجانی نشات‌گرفته از آمیگدال قبل از این که قشر مخ به ارزیابی موقعیت بپردازد، فعال می‌شود. در نتیجه طرحواره‌های ناسازگار اولیه در مواجهه با یک رویداد می‌توانند به طور ناهشیار هیجانات از پیش تعیین‌شده را برانگیزند. هیجاناتی که در طول عمر نسبت به فراموشی مقاوم‌اند و گاهی با همان شدت ریشه‌های کودکی خود برانگیخته می‌شوند، زیرا برای مغز ارزش بقایی دارند (Young et al., 2003). خودکار و ناهشیار بودن هیجانات در طرحواره‌های ناسازگار اولیه با بلوغ عاطفی در تضاد است. بلوغ عاطفی مستلزم پردازش اطلاعات در نواحی قشری است که به پاسخ هیجانی فرد انعطاف‌پذیری بیشتری می‌بخشد (Betal, 2015; Tucker, 2013). فردی که از لحاظ هیجانی بالغ است، در صورت استفاده از توانمندی‌های قشری مانند استدلال و تصمیم‌گیری می‌تواند مدیریت هیجانات خود را به دست گیرد. در این صورت هیجان مربوطه می‌تواند کاملاً کنترل شده یا با شدت و ضعف دیگری ابراز شود.

از طرف دیگر، هنگامی که طرحواره‌های ناسازگار اولیه تعدد و شدت بیشتری داشته باشند، هیجانات ناشی از آن‌ها نیز به طور شدیدتری بر می‌انگیزند (Bach et al., 2018). در این حالت، اعمال کنترل شناختی و دستیابی به بلوغ عاطفی با دشواری دوچندانی مواجه می‌شود. بر این اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌توانند به طور مستقیم به عدم بلوغ عاطفی منجر شوند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به روش نمونه‌گیری دردسترس، استفاده از پرسشنامه‌های خودگزارشی و عدم تفکیک یافته‌ها بر اساس گروه‌های مختلف مانند جنسیت و رشته تحصیلی اشاره کرد. همچنین دامنه سنی نمونه پژوهش از ۱۸ تا ۵۴ سال بود که اکثریت آن را افراد زیر ۳۰ سال تشکیل می‌دادند. بنابراین احتیاط لازم در خصوص تعمیم نتایج به سایر گروه‌های سنی مورد نیاز است. پیشنهاد می‌شود دیگر عوامل موثر بر بلوغ عاطفی مورد ارزیابی قرار گیرند؛ و عواملی که می‌توانند در رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و بلوغ عاطفی نقش میانجی را ایفا کنند، یافت شوند؛ و به اهمیت مقایسه متغیرهای پژوهش در ابتدا و انتهای دوران تحصیل پرداخته شود. به علاوه، اثربخشی مداخلات پیشگیرانه و درمانی مبتنی بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر روی بلوغ عاطفی می‌تواند به آزمون گذاشته شود.

## References

- Aghili, M., HasanNezhad, Z., & Asghari, A. (2023). The Effectiveness of Emotional Schema Therapy Group Training on Sexual Self-Concept, Emotional Maturity and Interactive Patterns of Women with Chronic Pain. *The Women and Families Cultural-Educational Journal*, 17(61), 199-219 . [\[Link\]](#)
- Ahi, Gh. (2005). *Normization of short form of Young Schema Questionnaire (SQ-SF) (investigation of factor structure) among students of Tehran universities in 2004-2005*. Thesis for Master of Arts (M.A), Allameh Tabataba'i University. Tehran, Iran. [\[Link\]](#)
- AlizadehBahmani, M., & Hosseinkhanzadeh, A. A. (2019). The role of Early Maladaptive Schemas in Predicting Emotional Intelligence in Secondary School Girl Students. *Rooyesh-e-Ravanshenasi*, 8(8), 197-204 . [\[Link\]](#)
- Amani, A., & Esfandiari, H. (2012). Early maladaptive schemas as predictors of emotional maturity of male students who experienced love failure. [\[Link\]](#)
- Anand, A., Kunwar, N., & Kumar, A. (2014). Impact of different factors on Social Maturity of Adolescents of Coed-School. *Int. Res. J. Soc. Sci*, 3, 35-37 . [\[Link\]](#)
- Bach, B., Lockwood, G., & Young, J. E. (2018). A new look at the schema therapy model: organization and role of early maladaptive schemas. *Cognitive Behaviour Therapy*, 47(4), 328-349 . [\[Link\]](#)
- Betal, C. (2015). Pranayama-A unique means of achieving emotional stability. *International Journal of Health Sciences and Research*, 5(12), 383 . [\[Link\]](#)
- Ganie, A. H., & Ganai, M. Y. (2021). Emotional Maturity and Academic Achievement among Adolescents of Kashmir. *International Journal of Indian Psychology*, 9(2) . [\[Link\]](#)
- Gupta, S., & Sudhesh, N. (2022). Emotional maturity and self-perception among adolescents living with HIV—Need for life-skills intervention. *Illness, Crisis & Loss*, 30(2), 157-174 . [\[Link\]](#)
- Hamid, G. G., Dewa, M. B. S., & Al-Kanani, A.-F. M. S. (2021). Susceptibility to empathy and its relationship to emotional maturity among university students (An applied study on students of the college of education ,university of Diyala, Iraq, 2020 AD. *International Journal of Childhood, Counselling, and Special Education*, 2(2), 67-84. [\[Link\]](#)
- Hedayatimoghadam, S., & Bakhshipour, A. (2022). The Effectiveness of Emotional Schema Therapy on Emotional Divorce and Emotional Maturity of Couples Seeking Divorce in City Babol. *Journal of Excellence in Counseling and Psychotherapy*, 11(42), 36-44 . [\[Link\]](#)
- Joy, M., & Mathew, A. (2018). Emotional maturity and general well-being of adolescents. *IOSR Journal of Pharmacy*, 8(5), 01-06 . [\[Link\]](#)
- Mehrabian, A., & Epstein, N. (1972). A measure of emotional empathy. *Journal of Personality* . [\[Link\]](#)
- Orang, S., Hashemi Razini, H., & Abdollahi, M. H. (2017). Relationship Between Early Maladaptive Schemas and Meaning of Life and Psychological Well-Being of the Elderly. *Iranian Journal of Ageing*, 46(12), 329-345 . [\[Link\]](#)
- Packard, M. D., & Burnham, T. A. (2021) .(Do we understand each other? Toward a simulated empathy theory for entrepreneurship. *Journal of Business Venturing*, 36(1), 106076 . [\[Link\]](#)
- Rahim, A. (2023). Emotional Maturity of Secondary School Teachers in Relation to Their Type of Management and Religion .*IAA Journal of Social Sciences*, 9(1), 7-11 . [\[Link\]](#)
- Sabzi, N., & Sheikholeslami, R. (2015). The mediating role of emotional maturity in the relationship between family communication patterns and empathy. *Developmental psychology: Iranian psychologists*, 12(46), 141-153 . [\[Link\]](#)
- Safarpour, A, Nouranipour, A., & Danesh, Z. (2007). *Investigating and comparing the relationship between emotional maturity and marital adjustment of married men working in Tehran oil pipeline company with healthy and unhealthy inferences from their original family*. Thesis for Master of Arts (M.A), Shahid Beheshti University. Tehran, Iran. [\[Link\]](#)
- Singh, P., & Bhargava, M. (1990). Emotional Maturity Scale, Agra: National Psychological Corporation. In: Sinha. [\[Link\]](#)

- Talarowska, M., Wysocki, G., & Chodkiewicz, J. (2022). Affective neuroscience personality scales and early maladaptive schemas in depressive disorders. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(13), 8062 . [\[Link\]](#)
- Tucker, D. M. (2013). Developing emotions and cortical networks. In *Developmental behavioral neuroscience* (pp. 75-128). Psychology Press . [\[Link\]](#)
- Young, J. E. (1998). Young Schema Questionnaire--Short Form. *Cognitive Therapy and Research* . [\[Link\]](#)
- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). *Schema Therapy: A Practitioner's Guide*. Guilford Publications . [\[Link\]](#)
- Zarshghae, M., Nori, A., & Oraizi, H. (2017). Psychometric properties of the persian version of the balanced emotional empathy scale. *Psychological methods and models*, 1(1), 39-50 . [\[Link\]](#)